

The Effects of Isfahan School Thoughts on the Architecture and Urban Development of Isfahan During Safavid Period

Soudabeh Gholipour¹, Jamal-e-Din MahdiNejad^{2*}

1. PhD Student, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran

2. Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2021/01/14;

Accepted: 2021/05/05;

Published Online: 2021/09/15

 [10.30699/athar.42.2.138](https://doi.org/10.30699/athar.42.2.138)

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Jamal-e-Din MahdiNejad

Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran

Email:

mahdinejad@sru.ac.ir

ABSTRACT

The running intellectuals prevailed during each age, has always influenced the architecture of the relevant period. To understand the influences more deeply, creating a meaningful relationship between the architecture and urban planning of each period with the prevailing ideas of that period can be effective. Safavid period as one of the most brilliant periods in the history of Iran is also not exempt from this rule. Therefore, it is worthwhile to examine the ideas that led to the flourishing of this period. In this period, there have been three mainstreams of thought: Shia, Ishraq and mysticism. These streams of thought have also affected on the architecture and urbanism of this era especially gardens, palaces and Chaharbagh Avenue and have led to innovations. Isfahan school is a term used to demonstrate the growth in philosophical, theological and art activities during the 17th and early 18th centuries in Isfahan and established principles and rules in architecture and urbanism. This study describes the characteristics of the Isfahan school and examines the impact of its principles on the architecture and urban planning of Isfahan. For this purpose, the architecture of gardens and palaces as well as the macro level including Chaharbagh Avenue in the school has studied Isfahan with a descriptive-analytical approach and relying on historical documents, evidence left from the architecture and urban planning of the Safavid era and the studies of contemporary researchers. It has also answered the question of what was the connection between the Isfahan school and architecture and urban planning and what was the representation of the Isfahan school principles in gardens, palaces and Chaharbagh Avenue. The research findings indicate that the architecture and urban planning of the Safavid period and its gardens, palaces and streets are rooted in the principles establishing the school of Isfahan.

Keywords: Garden, Palace, Chaharbagh Avenue, Isfahan school, Safavid, Isfahan

Copyright © 2021. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Gholipour, S, MahdiNejad, J. (2021). The Effects of Isfahan School Thoughts on the Architecture and Urban Development of Isfahan During Safavid Period. *Athar*, 42(2), 138-156

مقاله پژوهشی

بازنمود اصول مکتب اصفهان در معماری و شهرسازی دوران صفوی در اصفهان

سودابه قلی‌پور^۱، جمال‌الدین مهدی‌نژاد^{۲*}

۱. دانشجوی دوره دکتری، گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران
۲. استاد، گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	خلاصه
دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵ انتشار آنلاین: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴	جریان‌های فکری حاکم در هر دوران، همواره بر معماری و شهرسازی آن دوران تأثیر گذاشته است. برای درک عمیق‌تر این تأثیرات، ایجاد ارتباط معنادار میان کالبد در معماری و شهرسازی هر دوره با تفکرات حاکم بر آن دوره می‌تواند مؤثر باشد. دوره صفویه، یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده است؛ بنابراین شایسته است اندیشه‌هایی که موجب شکوفایی این دوره شده‌اند، بررسی شوند. در این دوره، سه جریان فکری شاخص وجود داشته است: تشیع، اشراق (بر پایه حکمت ایرانی) و عرفان. این جریان‌های فکری بر معماری و شهرسازی این دوران از جمله باغ‌ها، کاخ‌ها و خیابان چهارباغ نیز تأثیرگذار بوده و نوآوری‌هایی را به وجود آورده است. مکتب اصفهان عنوانی است که برای اوج‌گیری فعالیت‌های مختلف فلسفی، فقهی و هنری در سده ۱۷ و اوایل ۱۸ میلادی در اصفهان به کار برده شد و اصول و قواعدی را در معماری و شهرسازی پایه‌گذاری کرد. مقاله حاضر ضمن تشریح ویژگی‌های مکتب اصفهان به بررسی تأثیر اصول مطرح‌شده این مکتب در معماری و شهرسازی اصفهان پرداخته و برای این مهم، با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با اتکا به متون و اسناد تاریخی و شواهد به‌جامانده از معماری و شهرسازی دوره صفوی و مطالعات پژوهشگران معاصر درباره ساختار معماری و شهرسازی این دوره، معماری باغ‌ها و کاخ‌های این دوره در شهر اصفهان و همچنین سطح کلان از جمله خیابان چهارباغ را در حیطه مکتب اصفهان بررسی کرده و به این پرسش پاسخ داده است که چه ارتباطی میان مکتب اصفهان با معماری و شهرسازی وجود داشته و بازنمود اصول این مکتب در باغ‌ها، کاخ‌ها و سطح کلان (خیابان چهارباغ، شهر) چه بوده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که معماری و شهرسازی دوره صفوی و به‌طور شاخص باغ‌ها، کاخ‌ها و خیابان‌های آن ریشه در اصول حاکم بر مکتب اصفهان دارد.

نویسنده مسئول:

جمال‌الدین مهدی‌نژاد

استاد، گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

پست الکترونیک:

mahdinejad@sru.ac.ir

کلیدواژه‌ها: باغ، کاخ، خیابان چهارباغ، مکتب اصفهان، دوره صفوی، اصفهان

حق کپی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

قلی‌پور، سودابه، مهدی‌نژاد، جمال‌الدین (۱۴۰۰). بازنمود اصول مکتب اصفهان در معماری و شهرسازی دوران صفوی در اصفهان. فصلنامه علمی اثر، ۴۲(۲)، ۱۳۸-۱۵۶.

مقدمه

مکتب سبب می‌شود در این مکتب با وجود حضور در مکان‌های مختلف با گویش‌های مختلف، دستور زبانی یکسان وجود داشته باشد و بر مبنای چهار نظم مادی (زمینی) آب، خاک، گیاه و هوا و یک نظم معنایی (آسمانی و کیهانی) نظم مقدس شکل می‌گیرد (Habibi, 1998). از آنجا که شکوه آثار این دوره تاریخی بر همگان اثبات شده است، پی‌بردن به اصول فکری حاکم بر این آثار می‌تواند نقش مهمی در طراحی‌های معاصر داشته باشد.

پرسش تحقیق

این پژوهش به این سؤال پاسخ داده است که بازنمود اصول مکتب اصفهان در باغ‌ها، کاخ‌ها و سطح کلان (شهر و بالاخص خیابان چهارباغ) چه بوده است.

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی در زمینه جریان‌های فکری حاکم بر دوران صفویه و مکتب اصفهان انجام گرفته است؛ برای نمونه، فیلسوف فرانسوی، هنری کربن، جلال‌الدین همایی، جلال‌الدین آشتیانی، سید حسین نصر و متفکر ژاپنی توشیهیکو ایزوتسو از جمله اندیشمندانی هستند که در دوران اخیر به تحقیق و پژوهش در باب مکتب اصفهان پرداخته‌اند و این مکتب را به‌عنوان اصطلاحی محوری و کلیدی برای معرفی اندیشه‌ها و مباحث مطرح‌شده در حوزه فلسفی اصفهان بسط و توسعه داده‌اند (Karbasizadeh Isfahani, 2010). از پژوهش‌های انجام شده در زمینه مکتب اصفهان به موارد زیر می‌توان اشاره کرد؛ حبیبی (1998)، در مقاله مکتب اصفهان در شهرسازی بیان کردند که بیان فضایی و نمادگرایی در ساخت شهر اصفهان، زمینه‌ساز ایجاد مکتبی در زمینه شهرسازی شد که بنا به خاستگاه آن مکتب اصفهان نام‌گذاری شد. اهری (2008) در مقاله ژرف‌ساخت‌های طراحی شهری: مبانی شهرسازی مکتب اصفهان با توصیف انگاره‌ها یا ژرف‌ساخت‌هایی که مبنای

نسبت صفوی در نام سلاطین سلسله‌ای که به همت شاه‌اسماعیل در سال ۹۰۵ هجری تأسیس یافته، از نام جد پادشاهان این دودمان یعنی شیخ صفی‌الدین ابواسحاق اردبیلی است (Eghbal Ashtiani, 2015). شاه‌اسماعیل اول، مؤسس سلسله صفوی، تبریز را پایتخت قرار داد و ایرانی متحد، متفق و مقتدر به وجود آورد (Honarfar, 2004). بازسازی شهر قزوین هنگام حکومت شاه‌طهماسب و انتخاب آن در سال ۹۵۵ ه. ق به مرکز سیاسی، سبب رشد این شهر و پیداشدن گروه‌های تازه اجتماعی در منطقه شد (Adelfar & Farahani Fard, 2011). صفوی‌ها از سال ۱۰۰۰ ه. ق تصمیم به انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان می‌گیرند، اما انتقال آن عملاً از سال ۱۰۰۶ ه. ق صورت می‌گیرد. صفوی‌ها، اصفهان پیش از سلسله خود را شایسته امپراتوری خویش نمی‌بینند؛ بنابراین شهرسازان و معماران کارآزموده را با توجه به آگاهی‌های دقیق جغرافیایی و شهرسازی به کمک می‌طلبند و آن‌ها شهر قدیمی را چنان ماهرانه به سمت جنوب توسعه می‌دهند که این حرکت علمی را باید در ردیف اصول شهرسازی مدرن مورد مطالعه کرد (Shafaghi, 2002). پادشاهان صفوی تمایل به امر بسط و توسعه پایتخت از راه ایجاد ساختمان‌های باشکوه داشتند؛ حتی ضعیف‌ترین و نالایق‌ترین پادشاه این سلسله، شاه سلطان حسین نیز مجموعه‌های نفیسی را بر آثار پیشین افزود (Honarfar, 1972).

فهم مؤثرتر از زیبایی‌شناسی معماری عهد صفوی و به‌طور اخص شاهکارهای متعدد شهر اصفهان، به درک ارزش‌های جهان‌بینی خاصی وابسته است که موجب پدیدآمدن این آثار شده است. اگر استواری تمدنی را معلول عملکرد مثبت و درازمدت عوامل انتخاب‌شده تلقی کنیم، پیش از عهد صفویه نیز معماری ایران خیره‌کننده بود، اما آثار این عهد نشانه‌های آشکاری از وحدت برآمده از تفکری باطنی دارند که گویای تأثیرپذیری از عرفان و دربردارنده جهان‌شناسی‌ای نو قلمداد می‌شوند (Dost Thani, 2008). اصول و قواعد دستوری این

همچنین سطح کلان، از جمله خیابان چهارباغ استفاده شده و آن‌ها را در حیطه مکتب اصفهان بررسی کرده است.

مکتب اصفهان

واژه مکتب مانند سبک برای دسته‌بندی آرا و عقاید اندیشمندان، متفکران، ادیبان و هنرمندان در دوره‌های مختلف و برای نشان دادن ویژگی‌های مشترک بین آن‌ها بوده است (Ahari & Habibi, 2001). در دوره صفویه، امتزاج تفکر شیعی با اندیشه عرفانی به‌همراه اندیشه فلسفی، مکتب اصفهان را به وجود می‌آورد که نقش مهمی در آفرینش هنری این دوره داشته است (Moradinasab et al., 2018). این مکتب عنوانی است که برای اوج‌گیری فعالیت‌های مختلف فلسفی، فقهی و هنری طی سده ۱۷ و اوایل ۱۸ میلادی (۱۰ و ۱۱ هجری قمری) در اصفهان به‌کار برده می‌شود. اگرچه خاستگاه این مکتب منطقه آذربایجان است، در اصفهان رشد کرد؛ به‌گونه‌ای که بهترین نمود عناصر و نشانه‌های آن در این شهر مشهود است (Ziari et al., 2014). این مکتب در شیوه معماری و شهرسازی ایران در سلسله‌های حکومتی صفوی، افشاریان، زندیه و نیمه نخست قاجار نیز به کار رفته است.

مذهب تشیع که برای همیشه از خفا خارج شده بود، مکتب فلسفی- الهی بزرگی را در درون خود پدید آورد که در آن، تأملات فلسفی از ثمره آیات قرآن و روایات معصومین (ع) سود می‌جست. این دیدگاه فکری که امروزه شهرت جهانی دارد و محل بحث و گفت‌وگو میان اندیشمندان ایرانی و غیرایرانی است، مکتب اصفهان نامیده شده است. این مکتب که مکتب فقهی- فلسفی اصفهان نامیده شده است، نگرشی نو در فلسفه اسلامی و ایرانی و در واقع، نوعی تجدید حیات در علوم عقلی پدید آورد که در لسان بزرگان به آن «حکمت معنوی تشیع» می‌گویند که نشئت‌گرفته از «حکمت نبوی» است (Karbasizadeh Isfahani, 2010). این مکتب موفق شده که دستگاه و نظامی ارائه دهد که توانایی انطباق با دگرگونی‌های زمان و مکان را داشته باشد (Habibi, 1998). اگرچه در مکاتب قبل از مکتب حکمی اصفهان، به آیات و روایات نظر داشته‌اند، وجه تمایز این مکتب، رجوع نظام‌مند و روشمند به متون دینی

شکل‌گیری زبان شهرسازی مکتب اصفهان هستند، با ارجاع به متون تاریخی و ادبی دوران صفویه چگونگی تجلی این انگاره‌ها را در شهرسازی آن دوران نشان داده است.

زیاری و همکاران (2014) نیز به بررسی تطبیقی دو مکتب اصفهان و سبک تهران پرداخته‌اند و به این نتایج دست یافتند که تغییراتی در دو سبک وجود دارد و بیان کردند که چرخش آشکار و تغییر فضای عمومی، فضاهای باز و بروز برون‌گرایی به‌جای درون‌گرایی و پیوند معماری بومی ایران با معماری غرب و سرمشق‌گیری از بناهای اروپایی در سبک تهران کاملاً مشهود است. همچنین مقالاتی به‌بازنمود جریان‌ات فکری و مکتب اصفهان در این دوره بر معماری و فضاهای شهری پرداخته‌اند؛ برای نمونه حقیقت‌بین و همکاران (2016) به بررسی زمینه‌های مؤثر در شکل‌گیری باغ‌شهر صفوی با تأکید بر آموزه‌های حکمی مذهب شیعه پرداختند و چگونگی ارتباط باغ‌شهر ایرانی در عهد صفوی با الگوی باغ ایرانی و جایگاه باورهای دینی اسلامی و شیعی در شکل‌گیری آن را مطرح کردند. همچنین طبسی و فاضل‌نسب در مقاله بازشناسی نقش و تأثیر جریان‌های فکری عصر صفوی در شکل‌گیری ورودی مساجد مکتب اصفهان این نکته را بیان کردند که آنچه از بررسی آرا و نظرات در تحلیل این دوره تاریخی برمی‌آید، معماری آن برآیندی از سه مقوله تشیع، اشراق (بر پایه حکمت ایرانی) و عرفان است که به‌صورت یک کل واحد و منسجم در قالب نمادها و نمودها ظهور می‌یابد (Tabasi & Fazelnasab, 2012). اصول مطرح‌شده از مکتب اصفهان در مقاله‌های حبیبی (1998)، حقیقت‌بین (2010) و کتاب‌های مکتب اصفهان در شهرسازی از اهری و حبیبی و سبک‌شناسی در معماری از پیرنیا (1979) به‌عنوان اصول به‌کار گرفته‌شده در پژوهش حاضر استفاده و بازنمود این اصول در باغ‌ها، کاخ‌ها و سطح کلان (شهر و بالاخص خیابان چهارباغ) ارائه شده است.

روش بررسی

روش پژوهش کیفی است و برای دستیابی به هدف پژوهش، از متون و اسناد تاریخی و شواهد به‌جامانده از معماری آن دوران، معماری باغ‌ها و کاخ‌های دوره صفوی شهر اصفهان و

طراحی در معنای مادی آن را می‌سازد (Habibi, 1998). پیرنیا نیز ویژگی‌های معماری سبک اصفهان را چنین برشمرده است:

- ساده‌شدن طرح ساختمان که بیشتر مربع یا مستطیل شکل است.
- به‌کارگیری هندسه ساده، شکل‌ها و خطوط شکسته
- کاهش پیش‌آمدگی و پس‌رفتگی ساختمان و رواج گوشه‌های پخ
- پیمون‌بندی و بهره‌گیری از اندام‌ها و اندازه‌های یکسان در ساختمان
- آشکاربودن سادگی طرح در بناها (Pirnia, 1979).

در جدول ۱، خلاصه‌ای از تعاریف اصول به‌کار گرفته‌شده در مکتب اصفهان آمده است.

و به‌خصوص متون شیعی بوده است (Rezazadeh & Monfared, 2017). این مکتب در دوره صفویه با بزرگانی چون میرفندرسکی، میرداماد، شیخ بهایی و دیگران آغاز شد و با آرای ملاصدرای شیرازی به اوج خود رسید (Ahari & Habibi, 1998). شیخ بهاء‌الدین عاملی (شیخ بهایی) عالمی متکلم و فقیه میرز زمان خود که صدر علمای اصفهان نیز بود، نقشی عظیم در تدوین مکتب اصفهان در معماری و شهرسازی داشت (Habibi, 1998) و مفاهیم منطقی، عرفانی و عقلی را در کار خود دنبال می‌کردند (Ziari et al., 2014). زبان و قواعد دستوری مکتب اصفهان را می‌توان در دو گروه بررسی کرد: دسته اول، اصول عام هستند که عمدتاً بر ابعاد فلسفی و حکمی ناظرند و فارغ از زمان و مکان می‌باشند. دسته دوم، اصول خاص یا اصولی هستند که پایه زبان

جدول ۱. تعاریف اصول به‌کار گرفته شده در مکتب اصفهان

اصول	تعریف
سلسله‌مراتب	هیچ فضای شهری، بنا یا معماری را نمی‌توان فارغ از مراتب بالاتر یا پایین‌تر آن ایجاد کرد.
کثرت	هر جزء و عنصری فارغ از دیگر اجزا و عناصر هویت، شخصیت و معنای خویش را دارد.
وحدت	کل دارای هویتی یگانه می‌شود و شخصیتی خاص ارائه می‌دهد؛ فارغ از چگونگی ترکیب اجزا و عناصرش.
تمرکز	هر فضا با نحوه تمرکز بر اجزایش تعریفی خاص می‌یابد.
عدم تمرکز	پراکندگی فضای شهری موجب می‌شود بیانی واحد در مکان‌هایی متفاوت به کار گرفته شود.
تجمع	جمع‌شدن عناصر متفاوت در یک مکان خاص، مفهومی ویژه بدان مکان می‌بخشد؛ مفهومی که از چهارچوب مکان خارج می‌شود و هویت فضایی به مکان می‌بخشد.
تباین	اصولی که فضاها را از یکسانی، یکدستی و بی‌هویتی می‌رهاند.
اتصال	هر فضا در پی وصل به دیگر فضاهاست.
توازن	موزونی فضاها اصل توازن و تعادل در فضاها را به وجود می‌آید.
تناسب	نسبت ابعاد و اندازه‌ها، نسبت احجام و ساختمان‌ها، نسبت فضاهای انباشته و فضاهای تهی، نسبت سایه و روشن، نسبت محدودیت و بی‌کرانگی، نسبت انسان و فضا و...
تداوم	امری که در حال اتفاق می‌افتد، سر در گذشته دارد و پای در آینده می‌گذارد. اصل انقطاع در این تداوم است که معنا می‌یابد و سکون در این حرکت است که مفهوم می‌شود.
قلمرو	هر فضای شهری از ذره فضا (مسکن) تا کلان فضا (شهر) حریم خاص خود را دارد؛ حریمی که دامنه درون را به بیرون می‌گستراند و محدوده‌ای خاص از برون را متعلق به درون می‌کند.
سادگی	با پیروی از اصل سادگی است که فضاها به نرمی در خاطر می‌نشینند و خیال‌انگیز می‌شود.
پیچیدگی	فضاها زمانی معنا می‌یابد که در مکانی غیرمعمول رخ دهد.
ترکیب	دوام ترکیب اعداد در معماری و شهرسازی پایدار نخواهد ماند؛ مگر آنکه از تناسب در ترکیب‌ها برخوردار باشد تا بتواند روابط متقابل و متناظر اجزا را به نمایش بگذارد.
استقرار	هر جزء خود جهانی می‌شود کامل؛ زیرا هر جمله با معنایی در متن، مستقل و در عین حال وابسته به دیگر اجزاست.

اصول	تعریف
زمان	آنچه در زمان دچار دگرگونی می‌شود، صورت است نه محتوا. محتوای فضاهای شهری مانند محتوای واژه در بستر زمان چهره‌های متفاوت می‌یابد.
ایجاز	هر فضا، از سبکی تبعیت می‌کند که بتواند گسترده‌ترین مفهوم را در ساده‌ترین صورت بیان کند.
استفاده از نمادها در صورت عام و خاص	وجود نمادها از این تشابه معکوس پیروی می‌کند که آنچه عالی‌ترین است در آنچه دون‌ترین است انعکاس می‌یابد (Ardalan, 2011).
مقیاس انسانی و مردم‌واری	اجزا و فضاهای خرد کاملاً انسانی است و با حضور انسان هویت می‌گیرد.

منبع: Habibi, 1998; Haghghatbin, 2010; Pirnia, 1979

معماری و شهرسازی دوره صفویه

عصر صفوی از جهت توسعه صنایع ظریف و معماری، مهم‌ترین دوره تاریخ مدنی ایران محسوب می‌شود. فن معماری در این عهد از دوره سلطنت شاه اسماعیل به بعد همواره مورد حمایت سلاطین بود (Mohammadi, 1999). در کارهای صنعتی، هنری و معماری چنان پیشرفتی فراز آمد که آن دوران را از ممتازترین زمان‌های تاریخ ایران ساخت (Safa, 1992). اساساً باید توجه داشت که هنر در دوره صفوی، به دو دوره متقدم و متأخر قابل تقسیم است. دوره متقدم، تمامی آثار دوره شاه اسماعیل و شاه‌طهماسب را در بر می‌گیرد و دوره متأخر، شامل آثار دوره شاه‌عباس و جانشینان وی می‌شود. به تبع اولی، معماری این دوران را نیز می‌توان به دو بخش متقدم و متأخر تقسیم کرد. دوره متقدم عمدتاً دارای معماری چشمگیری نبود؛ زیرا از یک‌سو جنگ‌های پیاپی فرصتی برای معماری باقی نگذاشته بود و از سوی دیگر شاه اسماعیل اول و شاه‌طهماسب اول مانند شاه‌عباس اول چندان به معماری شکوهمند علاقه‌ای نداشتند (Tabasi, et al., 2007).

می‌توان گفت که معماری اصفهان دوره صفوی در بستر شهر و طبیعت آن شکل گرفته است. بستر شهر در کنشی سیال و در هم لغزنده از به هم پیوستن و ترکیب هسته‌های گوناگونی - اعم از پر و خالی - به وجود آمده که در هم تنیده شده‌اند؛ به گونه‌ای که یکپارچه به نظر می‌آیند و مجموعه‌ای

را می‌سازند که همان شهر اصفهان است. چگونگی شکل‌گیری فضاهای خالی شهری در بستر اصفهان، در حیاط‌های مرکزی و میدان‌های شهری، به‌ویژه در باغ‌های شهری، چه در امتداد استخوان‌بندی و محور اصلی شهر قرار گرفته باشند (مانند باغ هزارجریب)، چه با یکدیگر محوری ساخته باشند (مانند باغ‌های محور چهارباغ)، یا خود به‌تنهایی در متن شهر قرار گرفته باشند (مانند فرح‌آباد)، نقطه‌های خالی پرنگی در بستر شهر اصفهان هستند که همان طبیعت محسوب می‌شوند (Etesam, 2008). در واقع دولت صفوی آرای حکمی، فلسفی و علمی را در ساخت آرمان‌شهر در شهر اصفهان به کار گرفتند (Ziari et al., 2014). در دوران صفوی، اصفهان به یک باغ حکومتی در پهنه باغ‌سازی ایران تبدیل شد و باغ‌های داخل و خارج شهر در این دوران به چنان زیبایی رسیدند که سبب تعجب و بهت ملاقات‌کنندگان داخل و خارج شدند.

باغ

از دوران صفویه، باغ در گستره شهر به‌عنوان یک عنصر شکل‌دهنده ساختار فیزیکی شهر بوده و همواره تلفیق آن با ساختار شهری سبب ارتقای کیفی و بصری منظر شهر شده است (Haghghatbin, 2010). در واقع وجود باغ‌ها، نظام جدیدی برای شهرسازی اصفهان پایه‌گذاری کرد و توسعه‌های بعدی این شهر را سازمان داد (Shahcheraghi, 2008).

کاخ

از زمان صفویه، به‌خصوص در قزوین و اصفهان، پایتخت‌های صفوی، بخش‌هایی از تعدادی بنا که به هم مرتبط نیستند، باقی مانده‌اند (Brand, 2004). پادشاهان و درباریان به ساخت کاخ خود در اصفهان به‌خصوص در دورانی که این شهر پایتخت بود، اهتمام می‌ورزیدند. همچنین توانگران شهر نیز در جای‌جای محلات شهر، به‌ویژه درون بافت مرکزی، کاخ‌های اختصاصی برای خود داشته‌اند (Ahari & Habibi, 2001). در نقشه شهر اصفهان امروزی منطقه کاخ‌های سلطنتی هنوز قابل‌شناسایی است و وجود ۱۳۷ کاخ در پایتخت صفوی [با توجه به اظهارات ژان شاردن] او توسعه شهر در حومه و تفرجگاه‌های فراوان، نشان‌دهنده آبادانی پایتخت صفویه بوده است. درباره کاخ‌های آن باید به تراکم در مرکز شهر و محلات جدید توجه کرد که نشان‌دهنده اهمیت سکونت متمولان و صاحب‌منصبان در مرکز شهر و نزدیکی به دربار است. همچنین بسیاری از کاخ‌های حومه بیشتر به‌عنوان تفرجگاه سلطنتی استفاده می‌شده است (مانند عمارت‌هایی در چهارباغ و سعادت‌آباد). در واقع احداث یک کاخ تنها به‌منظور ساختن یک خانه مجلل برای مالک آن نبوده است، بلکه سبب بهره‌مندی مردم از امکانات ساختمان‌های عام‌المنفعه هم‌جوار کاخ می‌شده که در نوع خود سزاوار توجه است (Saber, 2006).

خیابان چهارباغ

شاه‌عباس از کودکی تا شروع سلطنت هجده‌سالگی در هرات به سر می‌برد و شهر هرات که یکی از پایتخت‌های تیموریان و مشتمل بر باغ‌های بسیار بود، در شکل‌گیری تفکر او از شهر ایده‌آل نقش اساسی داشته است؛ بنابراین «باغ‌شهر هرات» را به‌عنوان الگویی ابتدایی در ذهن داشت و هنگام استقرار در اصفهان با راهنمایی علمای شیعی بالاحص «شیخ بهایی» به گسترش شهر براساس الگوی باغ ایرانی که نوعی باغ‌شهر محسوب می‌شود، فرمان داد (Ansari, 2001)؛ از این‌رو طرح توسعه شهر و شهرسازی آن در اطراف محوری قرار گرفت که عمود بر مسیر زاینده‌رود بود و از راه پلی به

اراضی جنوب رودخانه راه می‌یافت. به این ترتیب، شهر خود به‌صورت «چهارباغ» عظیمی درآمد (Moghtader, 2003).

یافته‌ها

اصول به‌کار گرفته‌شده از مکتب اصفهان در معماری و

شهرسازی دوران صفویه

سلسله مراتب: اصل سلسله‌مراتب یعنی ساماندهی و ترکیب فضاها و عناصر براساس برخی از خصوصیات کالبدی-کارکردی آن‌ها که موجب پدیدآمدن سلسله‌مراتبی در نحوه قرارگیری یا استفاده یا مشاهده عناصر شود (Soltanzadeh, 1993). همچنین در معماری برای تداعی مفهوم گذار از دنیای خاکی به ماوراء گاه به زبان تذکار و گاه در یک فرایند ادراکی، شخص را به گذار از یک مرحله به مرحله دیگر فراخوانده‌اند. سلسله‌مراتب در معماری، بازتابی از این تلاش برای بیان مفهوم گذار و جنبه تدریجی فرایند ادراک است. این اصل یکی از اصول بنیادی در هنرهای سنتی است و با سلسله‌مراتب وجودی که بالاتر از مرتبه مادی مربوط به آن قرار دارد نیز منطبق و هماهنگ است (Tabasi & Fazelnasab, 2012).

در مکتب اصفهان، معمار ساخت‌وساز خود را با الگوبرداری از خالق آسمان‌ها و زمین قرار داد که هفت آسمان را به نظم و یکی پس از دیگری خلق کرده است. سلسله‌مراتب در باغ‌های دوره صفویه مانند دیگر باغ‌های ایرانی از سردر به سمت نقطه هدف که معمولاً کوشک است، هدایت می‌شود. نهر، فواره و درختان در دو سمت، دید را به سمت کوشک که در نقطه بالاتری از سطح زمین قرار دارد، هدایت می‌کنند. سه مرتبه ورود، عبور و سکون در باغ‌های این دوره دیده می‌شود. در واقع آمادگی در مخاطب در سیر از ظاهر به باطن صورت می‌گیرد. «تدریج در ساخت بنا نیز دیده می‌شود که ناظر بر کاهش ماده است که هرچه از درون به بیرون پیش می‌رویم، توجه به جرم و ماده کاهش می‌یابد» (Etezadi & Bina, 2005). شکل‌های ۱ و ۲ نمونه‌هایی از کاخ‌های این دوره است. وجود ایوان‌ها نیز نمونه‌ای از کاهش

در قاب‌های دید به کار می‌رود و حریم درون را در عین ارتباط با فضاهای بیرون و طبیعت حفظ می‌کند. در خیابان چهارباغ نیز مانند باغ‌های این دوره نهر، حوض‌ها و درختان در دو سمت دید را به سمت ابتدا و انتهای خیابان هدایت می‌کنند.



شکل ۲. کاخ آینه‌خانه

منبع: Isfahan Cultural Heritage Archive, 2011

هشت‌بهشت را نشان می‌دهد که علاوه بر جنبه عملکردی به تشخیص فضا کمک می‌کرده است. همچنین در مقیاس کلان، محور چهارباغ به‌همراه زاینده‌رود، عوامل اصلی وحدت‌دهنده میان چهار بخش محله سازنده باغ‌شهر جدید صفوی است. این محور در عین داشتن فعالیت‌های مختلف تجاری، گردشگری، ارتباطی، آموزشی - مذهبی، حکومتی و مسکونی (Gholipour & Heydar, 2016) و باغ‌هایی با کاربری‌های مختلف، مجموعه واحدی را در نظر مجسم می‌کند و به شکل‌گیری فضای همگون کلی منجر می‌شود.



شکل ۳. روشنندان کاخ هشت‌بهشت اصفهان

منبع: نگارندگان، ۲۰۱۱

ماده در جبهه بیرونی بناست. استفاده از ایوان در گوشه‌های باغ‌های خیابان چهارباغ اصفهان، برای نظاره به باغ و هم در سردرهای این خیابان برای تماشای خیابان وجود داشته است. از پیامدهای دیگر سلسله‌مراتب، اصل محرمیت است که این اصل در باغ‌هایی که کارکرد اصلی آن سکونت است، به‌وضوح دیده می‌شود. گره چینی از جمله عناصری است که



شکل ۱. کاخ و باغ چهل‌ستون

منبع: نگارندگان، ۲۰۱۱

کثرت و وحدت: هنر و معماری ایرانی اسلامی این دوران، جلوه‌های نمادین از حرکت کثرت جهان بیرونی به وحدت در حضور خداوند خود می‌نماید که به‌خوبی در نظریات ملاصدرا قابل‌پیگیری است (Khatami, 2011). باغ ایرانی - اسلامی متشکل از اجزا و عناصر متعددی شامل محورها، جوی‌های آب، گوشه، درختان، دیوار و... است که در ترکیب با یکدیگر باغ را شکل می‌دهند. کثرت عناصر استفاده‌شده به‌واسطه هدف حاکم به وحدت رسیده‌اند و همه این عناصر به کار گرفته می‌شوند تا انسان به‌عنوان مرکز هستی صغیر با مرکز هستی کبیر در ارتباط باشد (Haghighatbin, 2010). در حرکت به سمت گوشه در باغ عناصری پدید می‌آیند که ناظر را به‌سوی گوشه (نقطه وحدت) هدایت می‌کند (دید از کثرت به وحدت) و از گوشه به همه نقاط باغ دید دارد (دید از وحدت به کثرت). این حرکت در عناصر کاخ‌ها نیز دیده می‌شود. روشنندان از جمله این عناصر است که معمولاً در آسمانه حوض‌خانه‌ها به کار می‌رفته و علاوه بر نورگیر بودن، جنبه نمادین نیز داشته است (دید از کثرت به وحدت). شکل ۳، روشنندان کاخ

فضاهای شهری از جمله باغ‌ها و کاخ‌ها در عین حفظ خصوصیت تمرکز، در مجموعه شهر توزیع شده‌اند. پراکندگی فضای شهری موجب می‌شود که بیانی واحد در مکان‌هایی متفاوت به کار گرفته شود (Habibi, 1998).

تجمع: جمع‌شدن عناصر متفاوت در یک مکان خاص، مفهومی ویژه بدان مکان می‌بخشد؛ مفهومی که از چهارچوب مکان خارج می‌شود و هویتی فضایی به مکان می‌بخشد (Habibi, 1998). از جمله در سطح شهر، «کاخ‌های متعلق به صاحب‌منصبان حکومتی در بافت مرکزی شهر به‌ویژه محلات مجاور بازار مجتمع بودند» (Ahari & Habibi, 2001). ایجاد معماری شهری به‌صورت مجموعه‌های گسترده و در ترکیب با فضاها و مجموعه‌های دیگر بوده است. در خیابان چهارباغ جمع‌شدن عناصر متفاوت گیاه، آب، باغ و... حس فضای گردشگری و تفریح را به رهگذران القا می‌کرده است. در میدان نقش جهان نیز وجود مسجد امام، بازار، کاخ عالی قاپو و مسجد شیخ لطف‌الله به جمع‌شدن عناصر زمینی و آسمانی در آن اشاره دارد.

در این دوره به ایجاد فضاهایی برای تجمع افراد نیز توجه شده است و بدین منظور مکان‌هایی را طراحی می‌کردند. درواقع طراحی فضاهای باز در معماری بناها و شهرهای گذشته ما برای احیای مفهوم زندگی و تعاملات اجتماعی و پاسخ‌گو به نیازهای مردمان آن زمان بوده است. در اطراف مکان‌های تجمع یا نشستن در باغ درختان سایه‌افکن کاشته می‌شده است. در برخی شهرها به این مکان‌های نشستن بنه‌گاه گفته می‌شد که نشیمن تابستانی است (Pirmia, 1979). ایوان‌ها و تالارهای ستون‌دار وسیع مثل عمارت چهل‌ستون، محل نشستن و پذیرایی از مهمانان (بار عام) و استفاده از محیط دلپذیر باغ بود.

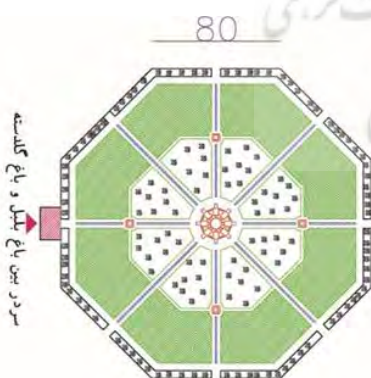
تباین: این لغت در فرهنگ معین به معنی جداشدن از یکدیگر، اختلاف‌داشتن و تفاوت آورده شده است. ناهمگونی عناصر و فضاهای شهری و در عین حال آهنگین‌بودن آن در ارتباط با دیگر عناصر و فضاها، اصلی است که فضای شهری را از یکسانی، یکدستی و بی‌هویت می‌رہاند. با استفاده از

تمرکز و عدم تمرکز: در مکتب اصفهان، مرکزیت هندسی در مقابل مرکزیت آرمانی رنگ می‌بازد. همان‌گونه که در مقیاس دیگر و در فضایی گسترده‌تر مرکزیت شار در مکتب اصفهان بیش از آنکه یک مرکز هندسی باشد، مرکزی عقیدتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است (Habibi, 1998). هنگام حضور انسان در باغ‌های دوره صفوی همانند دیگر باغ‌های ایرانی تمامی حواس پنجگانه انسان، در ادراک محیط به کار گرفته می‌شود؛ زیرا همه عناصر طبیعی و مصنوع در باغ‌ها متناسب با حواس پنجگانه انسان طراحی و اجرا شده‌اند. در بیشتر باغ‌ها تأکید اصلی بر یک مرکز است که معمولاً کوشک باغ است که لزوماً در مرکز هندسی باغ قرار نگرفته است. این اصل در عناصر کاخ‌ها نیز دیده می‌شود. «نوع پوشش برای فضاهای مختلف با در نظر گرفتن نوع عملکرد، ابعاد و شکل آن تغییر می‌کرده است؛ برای نمونه در مکان‌هایی که نیاز به مرکزیت، ایستایی و سکون بوده، همراه با بهره‌گیری از شکل مربع یا هشت‌گوش در پلان، طاق کلنبو، ترکیب یا کاربندی، این تأکید را فزونی داده؛ از این پوشش‌ها در هشتی، حوض‌خانه، پایاب و فضاهای دیگر استفاده شده است» (Memarian, 2005). در طول خیابان چهارباغ نیز حوض‌هایی در روبه‌روی ورودی باغ‌ها و خیابان‌های فرعی قرار گرفته که نشان از تأکید بر این نقاط دارد. درختان در طول مسیر نیز دید را به دو نقطه ابتدایی و انتهایی خیابان هدایت می‌کنند. همچنین در سطح شهر، «کاخ‌های متعلق به دربار صفوی در محوطه‌ای محدود بین میدان نقش جهان، خیابان چهارباغ و ساحل زاینده‌رود متمرکز شده بودند» (Ahari & Habibi, 2001). متمرکزشدن فضای شهری، اعتباری خاص بدان می‌بخشد و آن را از دیگر فضاها متمایز می‌کند (Habibi, 1998).

در کنار اصل تمرکز، اصل عدم تمرکز نیز در باغ‌ها و کاخ‌ها دیده شده است. از جمله اغلب تقسیمات در بناها به‌صورت اعداد فرد است تا همواره قسمت میانی فضاها خالی باشد و نگاه فرد روی توده و جرم ساختمان متمرکز نشود. در شهر نیز برای اینکه کلیت آن مفهومی یگانه بیابد،

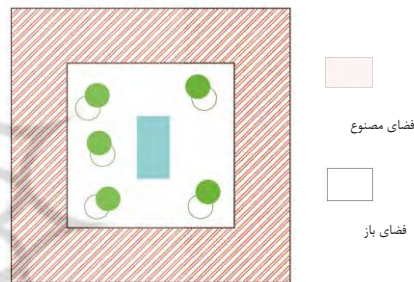
که به‌وضوح محل ورود به ساختمان را نشان می‌دهد. خیابان چهارباغ در زمان خود به‌عنوان یک شاهراه مورد استفاده قرار می‌گرفته و از نظر عملکرد، قسمت جنوبی دولتخانه صفویه را به قسمت بالایی شهر، یعنی باغ هزارجریب متصل کرده است. همچنین مکان‌یابی خیابان چهارباغ به‌گونه‌ای بوده است که در دوره‌های بعد توسعه شهرها را به خارج از باروهای کهن در امتداد خود سامان داده‌اند. این آینده‌نگری در چهارباغ اصفهان با هوشمندی تمام صورت پذیرفته است؛ به‌طوری‌که بافت کهن از طریق محور ارگانیک بازار به میدان نقش جهان متصل می‌شود و نقش جهان از طریق عمارت عالی‌قاپو، باغ چهل‌ستون و هشت‌بهشت اتصال خود را با خیابان چهارباغ برقرار می‌کند (Golestani & Sharifzadeh, 2011).

توازن: تعادل و توازن فضایی و کالبدی، اصلی از مکتب اصفهان است که بر جزء تا کل باغ و کاخ‌های این دوره حاکم است و به ایجاد فضای انسانی می‌انجامد. فرم کلی باغ‌ها مربع یا مستطیل است و توسط مربع‌ها و مستطیل‌های دیگر به اجزای کوچک‌تر تقسیم می‌شود. حتی در باغ گلدسته که باغی هشت‌گوشه است، تأکید بر محورها در دو جهت، با ایجاد چهار حوض در امتداد این محورها وجود دارد (شکل ۵).



شکل ۵. پلان ترسیمی باغ گلدسته با توجه به کروکی ترسیمی از کمپفر
منبع: نگارندگان

اصل تباین، فضاهای متباین شهری نقشی اصلی در هویت‌بخشیدن به شهر ایفا می‌کنند (Habibi, 1998). وجود مدرسه سلطانی با کاربری متفاوت در کنار کاربری باغ در خیابان چهارباغ نمونه‌ای از این اصل است. همچنین در این خیابان با ایجاد فضاهای تجمع کالبدی و فعالیتی در مسیرها از یکنواختی فضا کاسته شده بود. وجود فضاهای توده و خالی در باغ‌ها نیز نمونه‌ای از وجود این اصل است که در کاخ‌های درون‌گرا نیز به‌خوبی دیده می‌شود (شکل ۴). البته باید توجه داشت که این مسئله در دوره‌های قبل نیز در معماری ایران وجود داشته است.



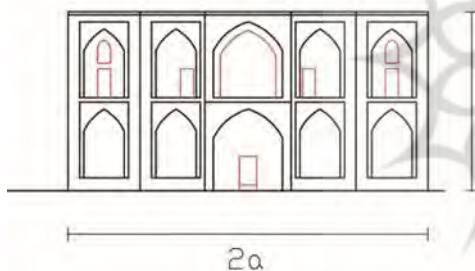
شکل ۴. پلان شماتیک یک کاخ درون‌گرا
منبع: نگارندگان

اتصال: هرگاه اتصال بین فضاها ایجاد نشود، کلامی گفته نخواهد شد و واژه‌ها به جمله تبدیل نخواهند شد. اصل اتصال را می‌توان به حروف ربط بین واژگان تعبیر کرد، قیود مربوط به افعال دانست و صفت تعریف‌کننده موصوف (Habibi, 1998). در این دوره پیوستگی فضایی و وحدت سلسله فضاها براساس الگوی سه‌بخشی (وصل، گذر، انفجار فضا) است (Alimoradi et al., 2019). همواره در باغ ایرانی بین بنا و باغ اتصالی وجود دارد. کوشک باغ مانع دید به نقاط دیگر نمی‌شود و همچنین با عبور آب در داخل بنا حضور باغ احساس می‌شود و شخص داخل بنا را ادامه بیرون می‌بیند. قرارگیری کوشک‌ها در نقاط کانونی باغ‌ها موجب اتصال باغ و نظرگاه می‌شود و اتصال کوشک به باغ به‌نحوی است که شخص را به داخل هدایت می‌کنند. از جمله کاخ هشت‌بهشت که عنصر اتصال به ترتیبی عقب نشسته است

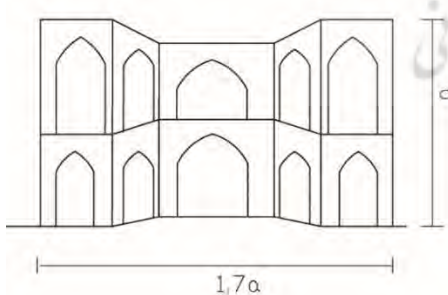
می‌رسد مجموعه کاخ‌های حاشیه زاینده‌رود و محور چهارباغ نیز در این گروه می‌گنجد. بررسی رابطه بین ارتفاع و عرض بنا نشان می‌دهد که نسبت تقریبی ۱ به ۳ وجود دارد (Ahari & Habibi, 2001).



شکل ۶. سردر باغ زرشک، نسبت ارتفاع به طول ۱:۲ بوده است. منبع: Isfahan Cultural Heritage Archive, 2011



شکل ۷. سردر باغ شیرخانه، نسبت ارتفاع به طول ۱:۲ بوده است. منبع: نگارندگان



شکل ۸. سردر باغ بلبل از روی کروکی کمپفر، نسبت ارتفاع به طول ۱:۱/۷. منبع: نگارندگان

مربع در بی‌نهایت اشکال منظم و نامنظم، بیشترین تأکید را برای ایجاد تعادل و آرامش انسان دارد؛ زیرا چهار ضلع آن بر چهار وجه انسان منطبق شده و در او ایجاد سکون می‌کند و برآیند محورها و قطرهای آن نیز به صفر می‌رسد و هیچ‌گونه جاذبه حرکتی ایجاد نمی‌کند و می‌تواند انسان را در کانون فضا آرام نگه دارد (Noghrekar, 2011). محور چهارباغ نیز از فرم‌های مدول‌واری از مربع‌ها که در نظام شبکه‌ای در ارتباط با یکدیگر قرار گرفته‌اند، تشکیل شده‌اند (Bakhtiar Nasrabadi et al., 2015).

تناسب: تناسبات در طراحی فضاها، مساوات و برابری انسان‌ها را در پیشگاه عدل الهی تداعی می‌کرد (Bakhtiar Nasrabadi et al., 2015). تناسبات در باغ‌ها، کاخ‌ها و خیابان چهارباغ دیده می‌شود؛ برای مثال تناسبات در سردرهای خیابان چهارباغ رعایت شده است. با بررسی چند سردر در این خیابان، نتیجه زیر به دست آمده است:

نسبت ارتفاع به طول، در سردرهای باغ‌های شیرخانه و زرشک، ۱:۲ و در سردر باغ بلبل از کروکی کمپفر، ۱:۱/۷ است. در بررسی سه نمای سردر در خیابان چهارباغ و با توجه به نظر سیاحان که ابعاد سردرها را تقریباً با هم برابر می‌دانستند و از آنجا که نسبت ۱:۱/۷ از کروکی سردر باغ بلبل از کمپفر و دقیق‌بودن کروکی، می‌توان نسبت تقریبی طول به ارتفاع (۱:۲) را برای سردرهای خیابان چهارباغ فرض کرد (شکل‌های ۶-۸). نسبت ابعاد کاخ برحسب موقعیت و عملکرد آن متفاوت است. یکی از اقسام بناها، عمارت سردر است که عالی‌قاپو مهم‌ترین آن‌ها در اصفهان صفوی به شمار می‌رود. عالی‌قاپو به معنای درگاه عالی است و از آنجا که بناهای عالی‌قاپو را به‌منزله سردر اصلی دولت‌خانه‌ها می‌ساختند، طرح آن‌ها گونه‌ای پیچیده‌تر و ارتفاع آن‌ها از عمارت‌های سردرهای دیگر رفیع‌تر و ابعاد آن‌ها بزرگ‌تر (تقریباً ۳۱ متر) بوده است تا موقعیت خاص خود را در کنار میدان نقش‌جهان نشان دهد، اما بررسی بقیه کاخ‌های موجود و نیز مدارک و عکس‌های کاخ‌های دیگر نشان می‌دهد که آن‌ها دارای ارتفاعی بین ۹ تا ۱۵ متر بوده‌اند و به نظر

پیچیدگی فضاها را نیز می‌توان در بناها دید؛ برای نمونه بنای عالی‌قاپو را که به‌منزلهٔ سردر اصلی دولت‌خانه‌ها می‌ساختند، طرح آن‌ها گونه‌ای پیچیده‌تر از عمارت سردر است و بنای چهل‌ستون اصفهان نیز از معدود بناهای باقی‌مانده از دولت‌خانه صفوی است که دامنهٔ تنوع و پیچیدگی فضاها را در طرح نشان می‌دهد (Alami et.al, 2008). ظهور مفاهیم پنهان در کالبد آشکار بازتاب اصل پیچیدگی در معماری و شهرسازی این دوره است.

ترکیب: ترکیب واژه‌ها با یکدیگر و چگونگی این ترکیب کلام را از زبان جدا می‌کند. با پیروی از اصول دستوری زبان می‌توان ترکیب‌های متفاوت کلامی را رقم زد و بدین ترتیب به بیان یا بیان‌های متفاوتی دست یافت. در این ترکیب کلامی می‌توان واژه‌های متضاد را نیز با هم ترکیب کرد. ترکیب اضداد پایدار نخواهد ماند؛ مگر آنکه از تناسب در ترکیب‌ها برخوردار باشد تا بتواند روابط متقابل و متناظر اجزا را به نمایش گذارد (Habibi, 1998). کاخ‌های برون‌نگر ارتباط گسترده با فضای باز بیرون داشتند و از این‌رو حجم توپر ساختمان به‌ترتیبی طراحی می‌شد که در جوانب مختلف به باغی گشوده شود که آن را احاطه کرده بود (ترکیب مصنوع و طبیعت). این نوع ترکیب در بخش داخلی برخی از کاخ‌ها نیز با حضور آب دیده می‌شود. ترکیب و کنار هم قرار گرفتن عناصر مختلف درخت، آب و... در باغ‌ها، کاخ‌ها و خیابان چهارباغ دیده می‌شود.

استقرار: قرارگیری هر بخش در جایگاه خود یک ویژگی بدان می‌بخشد که اگر در جای دیگری مستقر می‌شد، آن ویژگی خاص محقق نمی‌شد (Habibi, 1998). عالمی دربارهٔ باغ‌های صفوی که اغلب باغ‌های به‌جامانده از آن دوره است، عنوان می‌کند: «باغ‌های صفوی می‌توانسته انواع مکان‌ها را شامل شود؛ همچون باغ شکارگاهی با کلبه، باغ محصور، خیابانی با ردیف درختان، جویی با حوض‌هایی در میان، میدان عمومی برای برگزاری مراسم، مجموعه‌ای از کوشک‌ها و بناهای عمومی و مسکونی که باغ شهری را شکل می‌داد. معابر و جوی‌ها در ترکیبی راست‌گوشه استقرار می‌یافت و در

در زمینهٔ شهرسازی عصر صفوی نیز نقشه‌کشی و طرح حائز اهمیت بوده و هر اثر شهرسازی و معماری با توجه به نقشه و طرح با رعایت پیوند و تناسب خلق می‌شد (Pope, 1983).

تداوم و ماندگاری: این اصل در مکتب اصفهان موجب معنابخشیدن به اصل انقطاع می‌شود. از جمله عناصر بقا در شهر، مادی‌هاست. «مادی‌های شهر به احتمال قوی قبل از دورهٔ ساسانی وجود داشت، اما استفاده و بهره‌برداری از آن‌ها نظم و نسقی نداشت. در عصر صفویه استفادهٔ منظم از آن‌ها با برنامه‌ریزی خاصی صورت می‌گرفت که به نام طومار شیخ بهایی معروف است» (Shafaghi, 2002). برای پایداری باغ‌ها نیز به جریان آب در آن‌ها با استفاده از آب زاینده‌رود به‌عنوان شرط اصلی ماندگاری باغ‌ها توجه شده است. همچنین در ساخت کاخ‌ها نیز از مصالح بادوام استفاده می‌شده است.

قلمرو: هر فضای شهری از ذره فضا (مسکن) تا کلان فضا (شهر) حریمی خاص خود دارد؛ حریمی که دامنهٔ درون را به برون می‌گستراند و محدوده‌ای خاص از برون را متعلق به درون می‌کند (Habibi, 1998). محصوربودن و داشتن دیوار و درب از ویژگی‌های حاشیهٔ چهارباغ و بیشتر باغ‌های آن دوران است که در توصیفات سیاحان نیز به این مهم اشاره شده است. «این خانه‌ها (بدنهٔ چهارباغ) همه به یک شکل هستند و روبه‌روی هم قرار گرفته‌اند. سردر و جلوخان این خانه‌ها را با گل‌ها و شاخه‌های نیم‌برجسته و طلائی‌رنگ نقاشی کرده‌اند» (Sanson, 1998). همچنین با طراحی خیابان چهارباغ مفهوم منطقه‌بندی در سازمان‌دهی شهر ایرانی در این دوره به کار گرفته شده است (Habibi, 1996).

سادگی و پیچیدگی: این اصل نیز به‌خوبی در کاخ‌ها و باغ‌های این دوره دیده می‌شود. با وجود خوانایی در فضای باغ‌ها و دادن درک سریع به بیننده، معانی متعددی چون جاودانگی، بهشت و... نیز برای وی تداعی می‌شود. این معانی در داخل کوشک‌ها با وجود هندسهٔ سادهٔ آن نیز برداشت می‌شود. هندسهٔ مربع و مستطیل در خیابان چهارباغ نیز درک آن را برای بیننده آسان می‌کند. در کنار هندسهٔ ساده،

است. در واقع تأثیرپذیری از شرایط فرهنگی و جهان‌بینی از اصول رعایت‌شده در معماری و شهرسازی آن دوران بوده است. فرهنگ، سنت‌ها و نوع جهان‌بینی هر اجتماع بر نوع ساخت‌وساز آن اجتماع تأثیر می‌گذارد. فرهنگ در این دوره را می‌توان به دو بخش فرهنگ و آداب دربار و فرهنگ، آداب و اخلاق مردم تقسیم کرد. از بازنمود فرهنگ و آداب دربار می‌توان به فر و شکوه دربار صفوی اشاره کرد که با برگزاری جشن‌ها، آیین پذیرایی از سفیران کشورهای بیگانه و جشن‌های بزرگ و مهم شاه در تالارها انجام می‌گرفت (Sepehri, 2014). همچنین جهان‌بینی متکی بر مفاهیم عرفانی در این عصر سعی دارد تا شهر آرمانی را به وجود بیاورد و بدین‌منظور باغ‌شهر صفوی پدید می‌آید. دیدگاه نوع دوم در رابطه با دارابودن سبک خاص مخصوص زمان خود برای معماری بوده است. دیدگاه نوع سوم وجود حس‌شدن گذر زمان در باغ‌ها و کاخ‌هاست. با نور و سایه در فضای داخلی، وجود درختان و غیره. در واقع آنچه با گذشت زمان در این باغ‌ها و کاخ‌ها تغییر می‌کند، صورت است نه معنا.

ایجاز: در زبان شیوه‌ای جذاب‌تر است که بیشترین مفهوم از کمترین واژه‌ها در آن به دست آید (Habibi, 1998). این مهم نیز در باغ‌ها، کاخ‌ها و خیابان چهارباغ دیده شده و بیشترین معانی از فضاها دریافت می‌شود. یکی از روش‌های به‌کارگیری ایجاز، استفاده از نمادها در صورت عام و خاص است. استفاده از نمادها در دوران صفویه به اوج می‌رسد. از جمله به‌کارگیری اعداد چهار، چهل و سی‌وسه و ... در فرهنگ ما نماد محسوب می‌شود. برخی از کوشک‌ها به‌صورت هشت‌ضلعی ساخته می‌شده‌اند که «صورت هشت‌گوش یک کوشک، بازتاب عرش الهی است که طبق سنن و احادیث اسلامی بر دوش هشت فرشته جای گرفته است» (Tusi & Emamifar, 2011). همچنین هشت می‌تواند نمادی از شمس یا خورشید باشد. نقش معنوی و نمادین اندام‌های معماری، قبل از دوره صفویه تنها در نقاط خاصی از بناها به چشم می‌خورد، اما در این دوره شالوده کالبدی بنا را تحت تأثیر قرار داد و با آن ترکیب شد

بیشتر باغ‌ها شبکه‌ای شطرنجی را شکل می‌داد، اما این‌ها الزاماً الگوهای چهاربخشی (چهارباغ) نبوده است و نویسندگان دوره صفویه آن‌ها را چهارباغ نخوانده‌اند» (Alami et.al, 2008). کاخ‌های این دوره هم به گونه‌های مختلف و در نقاط مختلف استقرار یافته بود. با توجه به نمونه‌های موجود در منابع تصویری و تاریخی و همچنین نمونه‌های به‌جامانده، شش‌گوش کلی از نظر شکل می‌توان برای کاخ‌های اصفهان در دوره صفوی در نظر گرفت که بیشترین گونه در خیابان چهارباغ از نوع هشت‌ضلعی بوده است.

این شش‌گوش عبارت‌اند از:

- کاخ‌ها و کوشک‌های هشت‌ضلعی (هشت‌گوش مبتنی بر پلان چلیپایی، هشت‌گوش منتظم، نیم هشت‌گوش)
- کاخ‌ها و کوشک‌های شانزده‌ضلعی
- کاخ‌هایی چهارگوش
- خیمه یا خرگاه
- کوشک‌های مطبق
- کاخ‌هایی با ترکیب احجام (Mahdinejad & Gholipour, 2018).

دولت صفوی در ایجاد شهر جدید صفوی ابتدا مکان (سایت) و خصوصیات شهر قدیم و عوامل بالقوه سایت را که مهم‌ترین آن‌ها زاینده‌رود و باغ‌های باقی‌مانده از دوران قبل بوده، شناسایی کرده است. سپس به‌عنوان بهترین و سریع‌ترین شیوه بدون ایجاد خرابی و آسیب، با حل کردن شهر قدیم سلجوقی در محیط پیرامون و در توافق کامل با طبیعت اطراف، حیاط‌های داخلی و میدان‌ها و باغ‌های متعدد ایجاد کرده و علاوه بر تبدیل شهر اصفهان به باغ‌شهر سبب نفوذ طبیعت به داخل شهر شده است (Haghighatbin et al., 2016).

زمان: در رابطه با این اصل چند دیدگاه را می‌توان بیان کرد. در دیدگاه نوع اول، معماری و شهرسازی متناسب با زمان خود و با توجه به نیازهای مردم آن دوره شکل می‌گرفته

مهم در باغ‌ها، کاخ‌ها و خیابان چهارباغ محقق شده است. در این دوره باغ‌های مردمی شکل گرفته است. «این الگوی جدید را می‌توان باغ‌شهر نامید که در آن باغ‌ها در خدمت عموم مردم بوده است و شاید بتوان آن‌ها را از جهت نحوه استفاده با پارک‌های سبز عمومی امروزی مقایسه کرد؛ بنابراین در اینجا برای اولین بار علل عام‌المنفعه‌بودن و در اختیار عموم بودن را می‌توان به جهت رفورم اجتماعی دانست که خود می‌تواند علل سیاسی باشد؛ بنابراین صفویان با ایجاد شفافیت قدرت خود را نه تنها به مهمان‌ها بلکه به مردم نیز نشان می‌دادند. این امر نشان‌دهنده وضعیت سیاسی و اقتصادی حکومتی اوج صفویه می‌باشد. براساس نوشته‌ها این باغ‌ها در برخی روزها از جمله در اعیاد به روی مردم باز بوده است» (Motedayen, 2008). همچنین اصل رعایت مقیاس انسانی در کاخ‌ها نیز دیده می‌شود. با توجه به شکل‌بندی نمای کاخ‌ها، که ارتفاع کلی کاخ را به واحدهای ارتفاعی کوچک‌تر تقسیم می‌کند، مقیاس کاخ در فضای داخل، مقیاس انسانی به نظر می‌رسد و با حضور انسان هویت می‌گیرد، اما در فردی که از بیرون به این کاخ می‌نگرد، احساس مقهورشدن را برمی‌انگیزد.

نتیجه‌گیری

براساس نتایج پژوهش‌های انجام‌شده از طریق مطالعه در آثار مکتب اصفهان می‌توان گفت در این دوران اوج فعالیت‌های مختلف فلسفی، فقهی و هنری بوده که بی‌شک این دیدگاه در شهرسازی، معماری و هنرهای وابسته و همچنین باغ‌سازی ایرانی تأثیر بسزایی داشته است؛ از جمله دیدگاه ملاصدرا که درواقع فلسفه را با دیدگاه‌های عرفانی و منابع قرآنی آمیخته که عمدتاً هم ناظر بر فلسفه و حکمت و فارغ از زمان و مکان است و هم در پی اصول مادی پدیدآورنده فضا، مکان و مهارت‌های اجرایی در تولید فرم نقش فراوانی را ایفا کرده تا بتواند در اوج‌گیری معماری، شهرسازی و باغ‌سازی آن دوران تأثیر شگرفی بگذارد و این تأثیر در سلسله‌های حکومتی صفوی، افشاریان، زندیه و نیمه

(Falamaki, 1996). در بناهای این دوره معانی نوین شیعی در اجزای بناها دیده می‌شود؛ برای نمونه علاوه بر دو معنای آسمان و توحید که از معانی پیشین گنبد و متعلق به دیگر ادوار معماری اسلامی است، دو معنای بهشت و انسان کامل نیز بروز می‌یابد (Safaeipour & Pourmand, 2012).

در باغ‌ها و کاخ‌ها استفاده نمادین از عناصر و اجزای سازنده، مفاهیم عقلی را نیز مجسم می‌کند؛ برای مثال باغ ایرانی در ظاهر باغی است برای تفرج و پرورش گیاهان، اما در باطن و معنا مثالی از بهشت اخروی است (Haghighatbin, 2010). بهشت برین یکی از اعتقادات مردم بوده و سعی داشته‌اند بهشتی کوچک در زمین به وجود بیاورند. باغ‌ها و فضاهای سبز شهری در این خیابان با هدف دستیابی به منظر شهری جدید و هویت‌دهنده، مفهوم شهر آرمانی-اسلامی را که تمثیلی از بهشت جاویدان است، تحقق بخشیده‌اند (Ansari & Haghighatbin, 2008). درواقع تبدیل عالم معنا به ماده در معماری و شهرسازی این دوران دیده می‌شود.

مقیاس انسانی و مردم‌واری: مقیاس انسانی در مفهوم مادی و عددی آن در آمد و شد انسان از عروج به فرود و از لاهوت به ناسوت و برعکس آن رنگ می‌بازد. آنچه مطرح می‌شود، فضایی است که بتواند این آمد و شد را بیان کند؛ بنابراین در این مکتب نه مقیاس بلکه فضای انسانی مطرح می‌شود. مقیاس‌ها، اندازه‌ها، احجام، گشودگی‌ها و بسته‌شدن‌ها و... همه در خلق این فضاها به کار گرفته می‌شوند (Habibi, 1986). این مکتب با پرهیز از ایجاد فضاهای مسلط و بناهای سلطه‌گر موفق به ایجاد بناها و مجموعه‌های باشکوهی می‌شود که سخت مردم‌وارند. در گفت‌وگو با مردمان قرار می‌گیرند و از آنان هویت می‌یابند و به آن‌ها هویت می‌بخشند (Habibi, 1998). تأمین آسایش کاربران و برطرف کردن نیازهای آن‌ها از مهم‌ترین هدف برای دستیابی به معماری مردمی است و گذراندن ساعاتی در دل طبیعت و فضاهای سبز می‌تواند راهی برای دستیابی به آرامش باشد (Gholipour & Mahdinejad, 2019) و این

نخست قاجار نیز تداوم داشته که موجبات بالندگی و همچنین نبوغ معماری و شهرسازی ایران از گذشته تا اکنون را فراهم آورد. در جدول ۲ بازنمود مکتب اصفهان در باغ‌ها، کاخ‌ها و سطح کلان (خیابان چهارباغ، شهر) با ذکر مصادیق عینی آن ارائه شده است.

جدول ۲. بازنمود مکتب اصفهان در باغ‌ها و کاخ‌ها و سطح کلان (شهر، خیابان) با ذکر مصادیق

باغ	کاخ	سطح کلان (خیابان چهارباغ، شهر)
سلسله‌مراتب	<ul style="list-style-type: none"> - ورود، عبور، سکون - تدریج در ساخت بنا با کاهش ماده از درون به بیرون - وجود تالار و ایوان در قسمت ورود به بنا - رعایت محرمیت 	<ul style="list-style-type: none"> - معنا یافتن هر فضای شهری در مکان سلسله‌مراتبی - ایجاد سلسله‌مراتب برای رسیدن به عناصر استقرار یافته در ابتدا و انتهای محور با ایجاد محور راست و پرهیز از هرگونه مانع بصری در میانه و وجود نهر و حوض‌ها و درختان در دو سمت
کثرت و وحدت	<ul style="list-style-type: none"> - وجود عناصر در بنا از جمله روشن‌دان در سقف (کثرت به وحدت) 	<ul style="list-style-type: none"> - محور زاینده‌رود عامل اصلی وحدت‌دهنده بین چهار بخش محله سازنده باغ‌شهر جدید صفوی
تمرکز	<ul style="list-style-type: none"> - بهره‌گیری از طاق کلنبو، ترکیب و کاربندی برای تأکید و توجه در سقف 	<ul style="list-style-type: none"> - درختان چنار اطراف در خیابان چهارباغ (تمرکز به سمت مستقیم) - نقاط تأکید در ابتدا و انتهای خیابان - وجود حوض‌های هفت‌گانه در خیابان چهارباغ
عدم تمرکز	<ul style="list-style-type: none"> - توزیع کاخ‌ها در سطح شهر - تقسیمات فرد در اجزای بناها 	<ul style="list-style-type: none"> - توزیع متوازن فضاهای اطراف شهر
تجمع	<ul style="list-style-type: none"> - مکان‌های تجمع و نشستن در باغ با درختان سایه‌افکن 	<ul style="list-style-type: none"> - طراحی مکان‌هایی برای تجمع در خیابان‌ها - مجتمع‌شدن کاخ‌های متعلق به صاحب‌منصبان حکومتی در بافت مرکزی شهر، به‌ویژه محلات مجاور بازار - وجود کاربری‌های متفاوت در کنار کاربری‌های مشابه (کاربری آموزشی (مدرسه)
تباین	<ul style="list-style-type: none"> - فضاهای توده و خالی در باغ‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> - فضاهای توده و خالی (کاخ‌های درون‌گرا) - کاستن از یکنواختی فضا با ایجاد فضاهای تجمع کالبدی و فعالیتی در مسیرها
اتصال	<ul style="list-style-type: none"> - اتصال باغ و کوشک (کوشک مانع دید در باغ نمی‌شود). 	<ul style="list-style-type: none"> - اتصال کوشک و باغ (ورود آب به داخل کوشک) - اتصال باغ و نظرگاه با قرارگیری کوشک‌ها در نقاط کانونی باغ

توازن	باغ	کاخ	سطح کلان (خیابان چهارباغ، شهر)
- تقسیم‌شدن بیشتر باغ‌ها به اجزای مربع و مستطیل	- تقسیم‌شدن بیشتر کاخ‌ها به اجزای مربع و مستطیل و وجود توازن در عناصر کاخ‌ها	- تعادل فضایی در شهر - قرارگیری محور چهارباغ در فرم‌های مدول‌واری از مربع‌ها در نظام شبکه‌های	- تناسب در نسبت سایه‌روشن، فضای پر و خالی، انسان و فضا و... - حضور آب (عنصر زنده) رودخانه زاینده‌رود در سطح شهر با ایجاد مادی‌ها
- تناسب در نسبت سایه‌روشن، انسان و فضا و... - حضور آب در باغ‌ها	- استفاده از مصالح بادوام	- رعایت حریم خاص کاخ‌ها	- حریم خاص برای هر فضا در داخل شهر - مفهوم منطقه‌بندی با ایجاد محور چهارباغ
- خوانایی، هندسه ساده - درک سریع - درک معانی متعدد	- خوانایی هندسه ساده - درک سریع - درک معانی متعدد	- خوانایی هندسه ساده بعضی از کوشک‌ها - درک معانی متعدد	- درک سریع و خیال‌انگیز - ایجاد شکل‌های گوناگون در ذهن - خاطره‌انگیزبودن فضا
- ترکیب مصنوع با طبیعت - ترکیب و قرارگرفتن عناصر مختلف درخت، آب و... در کنار هم	- ترکیب مصنوع با طبیعت - ترکیب و قرارگرفتن عناصر مختلف درخت، آب و... در کنار هم	- ترکیب مصنوع با طبیعت (حجم توپر ساختمان در جانب باغ) - ترکیب و کنار هم قرارگرفتن عناصر مختلف در بنا	- ترکیب مصنوع با طبیعت - ترکیب و قرارگرفتن فضاهای مختلف در کنار هم
- مستقرشدن باغ به شکل‌های مختلف و در مکان‌های مختلف	- مستقرشدن کاخ‌ها به گونه‌های مختلف و در مکان‌های مختلف	- مستقرشدن کاخ‌ها به گونه‌های مختلف و در مکان‌های مختلف	- قرارگرفتن فضاهای مختلف در کنار هم در عین حفظ نقش خود
- متناسب با زمان ساخت - متناسب با شرایط فرهنگی - حس‌شدن گذر زمان	- متناسب با زمان ساخت - متناسب با شرایط فرهنگی - حس‌شدن گذر زمان	- متناسب با زمان ساخت - متناسب با شرایط فرهنگی - حس‌شدن گذر زمان	- متناسب با زمان ساخت - متناسب با شرایط فرهنگی - حس‌شدن گذر زمان
- دریافت معانی از هندسه ساده (دریافت گسترده‌ترین مفهوم باغ در ساده‌ترین صورت) - استفاده از اعداد چهار، چهل، هشت، سی‌وسه و... - ظاهر (تفرج و پرورش گیاهان) - باطن (تمثیلی از بهشت)	- دریافت معانی از هندسه ساده (دریافت گسترده‌ترین مفهوم کاخ در ساده‌ترین صورت) - استفاده از اعداد چهار، چهل، هشت، سی‌وسه و... - ظاهر (تفرج) - باطن (تمثیلی از بهشت)	- دریافت معانی از هندسه ساده (دریافت گسترده‌ترین مفهوم کاخ در ساده‌ترین صورت) - استفاده از اعداد چهار، چهل، هشت، سی‌وسه و... - ظاهر (تفرج) - باطن (تمثیلی از بهشت)	- دریافت معانی از هندسه ساده - استفاده از اعداد چهار، چهل، هشت، سی‌وسه و... - ظاهر خیابان چهارباغ (تفرج) - باطن خیابان (تمثیلی از بهشت)
- هویت پیداکردن با وجود انسان - باغ‌های مردمی	- مقیاس انسانی به نظر رسیدن فضای داخل کاخ با تقسیم‌شدن ارتفاع کلی کاخ به واحدهای ارتفاعی کوچک‌تر	- مقیاس انسانی به نظر رسیدن فضای داخل کاخ با تقسیم‌شدن ارتفاع کلی کاخ به واحدهای ارتفاعی کوچک‌تر	- بناهای عام‌المنفعه در سطح شهر

وجود ندارد.

تعارض منافع

میان نویسندگان تعارضی در منافع وجود ندارد.

سپاسگزاری

وجود ندارد.

منابع مالی

References

- Adelfar, B. A., & Farahani Fard, R. (2011). Urban Anatomy of Qazvin in the Safavid Era. *Social History Research*, 1(2), 51-70. [in Persian]
- Ahari, Z. (2008). *Deep Urban Design Structures: Basics of Isfahan School of Urban Planning*. Collection of articles on architecture and urban planning - Isfahan School Conference, 175-195. [in Persian]
- Ahari, Z., & Habibi, M. (1998). Urban architecture of the mosque in Isfahan school, grammar and vocabulary. *Soffeh*, 8(1-2), 22-37. [in Persian]
- Ahari, Z., & Habibi, M. (2001). *Isfahan School in Urban Planning (Linguistics of Urban Elements and Spaces, Vocabulary and Grammatical Rules)*. Tehran: University of Arts. [in Persian]
- Alami, M., Rezaei pour, M., & Jeyhani, H. (2008). Gardens of the Safavid King (A stage to show royal ceremonies and political legitimacy). *Golestan-e Honar*, 4(2), 47-68. [in Persian]
- Alami, M. (2006). *Gardens of the Safavid Period: Species and Patterns*. Translated by Mohsen Javari. *Golestan Honar*, 5(3), 72-91. [in Persian]
- Alimoradi, A., Ahmadi, H., & Ghobadian, V. (2019). Analysis of the Urban Planning Teachings for a City's Physical Development (Case Study of Safavid Period, Isfahān City). *Urban Planning Knowledge*, 3(1), 33-53. [in Persian]
- Ansari, M. (2001). *Persian garden in history. Proceeding of the Isfahan and Safavid Conference*, by Morteza Dehghannejad, 51-59. Isfahan: Department of History, University of Isfahan. [in Persian]
- Ansari, M., & Haghghatbin, M. (2008). *Isfahan City Garden, Safavid Utopia*. The First Conference of Islamic Utopia, Faculty of Literature, University of Isfahan, 81-100. [in Persian]
- Ardalan, N. (2011). *Hese Vahdat*. Translated by Hamid Shahrokh, Isfahan: Khak publication. [in Persian]
- Bakhtiar Nasrabadi, A., Pourjafar, M. R., & Taghvaei, A. A. (2015). An analysis of the aesthetic role of geometry in the formation of urban space Chaharbagh Abbasi. *Urban Studies*, 5(17), 41-54. [in Persian]
- Brand, H. (2004). *Iranian Architecture*. Translated by Iraj Etesam. Tehran: Urban Processing and Planning Company. [in Persian]
- Dost Thani, M. (2008). *Philosophical, Mystical, Cultural and Ideal Contexts of the Formation of the City of Isfahan*. Collection of Articles on Architecture and Urban Planning. Isfahan School Conference, 381-396. [in Persian]
- Eghbal Ashtiani, A. (2015). *Complete history of Iran*. Tehran: Aqeel Publications. [in Persian]
- Etesam, I. (2008). *Architecture in the context of the city and nature of Safavid Isfahan*. Collection of articles on urban architecture (Isfahan school gathering). Edited by Waliullah Kaws, 123-140. Tehran: Academy of Arts. [in Persian]
- Etezadi, L., & Bina, M. J. (2005). Hasht-Behesht Pavilion Isfahan Its Study as a Viewpoint. *Soffeh*, 25(70), 35-64. [in Persian]
- Falamaki, M. (1996). Safavid architectural innovations, transformation for the perpetuation of values and concepts in Iranian architecture in Iran, in the first congress of the history of architecture and urban planning, a collection of articles presented. Volume II, Tehran: Cultural Heritage Organization, 399-404. [in Persian]
- Gholipour, S., & MahdiNejad, J. (2019). Resilience the values of Historical Streets in Order to Protect them. (Case Study: Chaharbagh Street, Isfahan). *Bagh -e- Nazar*, 17(87), 45-60.
- Gholipour, S., & Heydar Nattaj, V. (2016). The Impact of Timurid Gardens in Samarkand on Safavid Gardens in Isfahan (Chaharbagh). *Bagh -e- Nazar*, 13(40), 5-18. [in Persian]
- Golestani, S., & Sharifzadeh, S. (2011). Exploring the characteristics of Safavid Street. *Bagh -e- Nazar*, 17(8), 59-68. [in Persian]

- Habibi, M. (1996). Isfahan school promoting the concept of government. *Soffeh*, 6(4), 1-15. [in Persian]
- Habibi, M. (1998). Isfahan School of Urban Planning. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, 3, 48-53. [in Persian]
- Haghighatbin, M. (2010). *A Study of the Principles of Design and Aesthetics of the Iranian Garden in the Index (Safavid) Axes and Its Impact on the Outside of Iran*. PhD Thesis in Art Research, Tarbiat Modares University. [in Persian]
- Haghighatbin, M., Ansari, M., Bemanian, M. R., & Bostani, S. (2016). a study of the effective backgrounds in the formation of safavid garden-cities with emphasis on the theological teachings of the shia religion. *Hoviat Shahr*, 10(25), 5-14. [in Persian]
- Honarfar, L. (2004). *Isfahan*. Tehran: Scientific and Cultural Publications. [in Persian]
- Honarfar, L. (1972). Isfahan Hasht Behesht. *Journal of Art and People*, 117(10), 2-16.
- Isfahan Cultural Heritage Archive, 2011. [in Persian]
- Karbasizadeh Isfahani, A. (2010). A Look at the Backgrounds, Characteristics and Consequences of the Isfahan School. *History of Philosophy*, 1(2), 23-52. [in Persian]
- Khatami, M. (2011). *A Philosophical Introduction to Iranian Art*. Tehran: Matin Publishing. [in Persian]
- Mahdinejad, J., & Gholipour, S. (2018). *Isfahan Palaces in the Safavid Period (Case Study: Extroverted Palaces)*. National Conference on Documentation of Natural & Cultural Heritage. 1-17. [in Persian]
- Memarian, G. H. (2005). *Introduction to Iranian Residential Architecture - Introverted Typology*. Tehran: University of Science and Technology. [in Persian]
- Moghtadar, R. (2003). Isfahan A picture of Chaharbagh. *Iran Nameh journal*, 83(3), 251-270. [in Persian]
- Mohammadi Hazareh, H. (1999). *Introduction to the Historical Geography of Iran*. Isfahan: University of Isfahan. [in Persian]
- Moradinasab, H., Bemanian, M. R., & Etesam, I. (2018). Re-reading the metaphorical and purgatory idea in the architecture of Isfahan school mosques (Case study: Imam Mosque of Isfahan). *Hoviat Shahr*, 12(34), 19-28. [in Persian]
- Motedayen, H. (2008). *Religious Roots of the Historical Evolution of Iranian Gardens, Proceedings of the Second Congress of Architectural History*. Bam. With effort Baqer Ayatollah Zadeh Shirazi, 29-25. Tehran: Cultural Heritage Organization. [in Persian]
- Noghrekar, A. (2011). *Theoretical Foundations of Architecture*. Tehran: Payame Noor University.
- Pirnia, M. K. (1994). Iranian Gardens. *Abadi journal*. 4(17), 67-74
- Pope, A. (1983). *Iranian Architecture*. Translated by Reza Basiri. Tehran: Gutenberg Publications. [in Persian]
- Rezazadeh, R., & Monfared, S. (2017). A comparative approach to epistemological sources from the school of Hillah (Ibn Abi Jomhor Ehsaei) to the school of Isfahan (Mulla Sadra). *History of Philosophy*, 8(1), 41-62.
- Saberi, A. (2006). Safavid palaces and the city of Isfahan based on Chardin travelogue. *Humanities - Culture of Isfahan*, 33& 34 (3-4), 88-94. [in Persian]
- Safa, Z. (1992). *History of Literature in Iran*, V (5), Seventh Edition, Tehran: Ferdows Publications. [in Persian]
- Safaeipour, H., & Pourmand, H. A. (2012). A study on the meaning of the roof in the safavid architecture. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, 17(1), 39-48. [in Persian]
- Sanson, N. (1998). *The State of Iran During the Safavid Shah Soleiman Era*. Translated to Persian by Mohammad Mehryar, Tehran: Nashr-e Golha. [in Persian]
- Sepehri, S. (2014). A comparative study of the reflection of Safavid Iranian culture and customs in Chardin and Tavernier Itineraries. *Scientific Quarterly Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*. 6(22). 161-190. [in Persian]

- Shafaghi, S. (2002). *Geography of Isfahan*. Isfahan: Isfahan University Press. [in Persian]
- Shahcheraghi, A. (2008). *Bagh-E-Isfahan, A Paradise the Size of the City (Lessons From Isfahan-Based Urban Planning Based on the Iranian Garden-Building System in the Safavid Period)*. Collection of articles on architecture and urban planning-Isfahan school meeting, 453-463. [in Persian]
- Soltanzadeh, H. (1993). *Entrance spaces in traditional Iranian architecture*. Tehran: Cultural Research Office. [in Persian]
- Tabasi, M., & Fazelnasab, F. (2012). Recognizing the role and influence of Safavid intellectual currents in the formation of the entrance of the mosques of Isfahan school. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, 17(3), 81-90. [in Persian]
- Tabasi, M., Ansari, M., Tavousi, M., & Fakhar Tehrani, F. (2007). Recognition of the characteristics of the body of Iranian baths in the Safavid period. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, 29(1), 49-58. [in Persian]
- Tusi, M., & Emamifar, N. (2011). Symbolism and semiotics of the elements of Iranian gardens according to the elements of Kashan Fin Garden. *Negareh Quarterly*, 17(1), 59-71. [in Persian]
- Ziari R., Ziari, K., Abdoli, M. R., & Ziari, S. (2014). A Comparative Study of the Development and Expansion of Isfahan School and Tehran Style in Urban Space. *Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*, 4(1), 37-45. [in Persian]

